

تبیین حکیم تنکابنی از رأی ابن سینا در باب حرکت در مقولات^۱

مقدمه تحلیلی، تصحیح و تحقیق رساله فی بیان الحركة فی المقولة

محمد جواد اسماعیلی*

چکیده

حرکت در مقولات^۱ یکی از مسائل مهم در حرکت‌شناسی ابن سینا است. حکیم محمد بن عبدالفتاح تنکابنی (۱۱۱۳/م ۱۱۲۴ق - ۱۱۶۳/م ۱۰۴۰ق) مشهور به فاضل سراب از اندیشمندان قرن یازدهم هجری است که اثری با عنوان رساله فی بیان الحركة فی المقولة دارد. وی در این اثر به تحلیل و ارزیابی مباحثی از فصل دوم از مقاله دوم فن «سمع طبیعی» کتاب الشفاء ابن سینا با عنوان فی نسبة الحركة إلى المقولات می پردازد که در آن سرشت حرکت بررسی شده است. تبیین حکیم تنکابنی از آن جهت ارزشمند است که ارزیابی وی ناظر به نگرشی است که سرشت حرکت را مبتنی بر "تشکیک" شناسانده است. شیوه بررسی حکیم تنکابنی بر پایه ساختار «قال - أقول» در این رساله، خواننده را به التفات بیشتر به ردّ و ابرامها در بحث ترغیب می کند. حکیم تنکابنی قلمرو بحث خود را از بررسی سرشت حرکت فراتر برده و به مباحثی چون پیوند میان حرکت و زمان و حرکت توسطه و قطعیه نیز پرداخته است. وی ضمن اشاره به اندیشه‌های ابو نصر فارابی و جلال‌الدین دوانی، پیوندی را میان مباحث فلسفی با سنت تفسیری تجرید الاعتقاد برقرار کرده است. تصحیح و تحلیل این رساله برای نخستین بار، زمینه بحث در طبیعت‌شناسی ابن سینا را بیشتر فراهم می کند

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، الشفاء، حکیم تنکابنی، حرکت، حرکت در مقولات، رساله فی بیان الحركة فی المقولة

* استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، esmaeili@irip.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷

۱. مقدمه

اندیشه‌های فلسفی با پیدایش تدریجی مسائل فلسفی در فرهنگ‌های گوناگون بشری رونق گرفته است. هر مسأله فلسفی هر چند در بادی امر ساده و پیش‌پا افتاده به نظر برسد اما ژرفای آن در مواجهه با افکار گوناگون همراه با ارزیابی انتقادی روشن می‌گردد. مسأله حرکت چه بسا در زمره کهنترین مسائلی باشد که با آنکه هر انسانی در زندگی روزانه خود آثار حرکت را نظیر رشد و نمو گیاهان از دانه تا ثمره، حیات انسان از کودکی تا کهنسالی، دگرگونی فصلها و تغییرات جوی، مشاهده می‌کند و هستی آن را بدیهی می‌انگارد با این حال در هنگام تبیین حرکت با دشواری روبرو خواهد گشت.^۲ کمتر مکتب فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که راجع به مسأله حرکت، سکوت اختیار کرده باشد و از تبیین آن - صرف نظر از اینکه آن تبیین برخاسته از برهان‌های فلسفی یا مشاهدات تجربی باشد - خود را درمانده بشناساند.^۳ بنا بر این، التفات به مسأله حرکت را نمی‌توان به روزگاری معین و فرهنگی خاص منحصر کرد و کوشش برای تبیین آن را امری به دور از زندگی انگاشت. افزون بر اینکه تحلیل مفاهیم فلسفی به طور عام ما را در فهم اندیشه‌های فلسفی یاریگر خواهد بود، تحلیل مفهوم حرکت به طور خاص زمینه گفتگویی ژرف را میان علوم انسانی و علوم طبیعی نیز فراهم می‌سازد. یکی از اندیشمندان ایرانی که به مسأله حرکت التفات کرده است، حکیم محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب است. وی در حدود سال ۱۰۴۰ هـ ق در سراب از روستاهای تنکابن به دنیا آمد و پس از کسب مقدمات علوم نزد پدر و در مدارس علمیه تنکابن به اصفهان رهسپار شد. تاریخ درگذشت حکیم تنکابنی را دوشنبه هیجدهم ذیحجه سال ۱۱۲۴ ق و مدفن وی را تخت فولاد اصفهان ثبت کرده‌اند. استادان وی در علوم عقلی ملا محمد باقر سبزواری (درگذشته ۱۰۹۰ ق)، آقا حسین خوانساری (درگذشته ۱۰۹۸ ق) و ملا رجبعلی تبریزی (درگذشته ۱۰۸۰ ق) یاد شده‌اند.^۴ وی دارای آثار گوناگونی است که برخی از آنها عبارت است از: رساله فی بیان الحركة فی المقوله در فلسفه،^۵ ضیاء القلوب در کلام، رساله در حل شبهه جذر اصم در منطق و رساله فی حکم رؤیه الهلال قبل الزوال در فقه است.^۶ حاشیه‌نگاری بر طبیعیات الشفاء از ویژگی‌های روزگار حکیم تنکابنی است و رساله وی در این باره هم‌روزگار با اثر حکیم آقا جمال خوانساری به نگارش درآمده است.^۷ در این نوشتار کوشش بر آن است تا نگرش حکیم تنکابنی در باب حرکت در مقولات از منظر تاریخی و فلسفی بر پایه رساله فی بیان الحركة فی المقوله بررسی شود.

۲. پیشینه تاریخی

ترجمه عربی *طبیعیات* ارسطو مناقشات گوناگونی را در میان اندیشمندان برجسته نظیر فارابی^۸، ابن سینا^۹ و ابن رشد^{۱۰} فراهم ساخت. کوشش ابن سینا به مثابه فیلسوف-مفسر در ارزیابی انتقادی *طبیعیات* ارسطو بحثهای جالب توجهی را در میان اندیشمندان بعدی به دست داده است.^{۱۱} یکی از اندیشمندانی که به حرکت‌شناسی ابن سینا التفات کرده است حکیم محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب است که اثری با عنوان رساله فی بیان الحركة فی المقوله دارد. وی در این اثر به بحث از حرکت در مقولات می‌پردازد و در واقع نوشتار حکیم تنکابنی ناظر به مبحثی است از فصل دوم از مقاله دوم فن «سمع طبیعی» کتاب الشفاء ابن سینا با عنوان فی نسبة الحركة إلی المقولات.^{۱۲}

مقاله دوم فن «سمع طبیعی» با فصلی مربوط به حرکت آغاز می‌شود و شامل چند مبحث مهم است: آراء گوناگون در تعریف حرکت، ارزیابی انتقادی تعریف‌ها، رأی ارسطو در تعریف حرکت و دفاع از رأی ارسطو، دو تصور از حرکت: حرکت به گونه توسط و به گونه قطع، وابستگی حرکت به امور شش‌گانه: متحرک، محرک، آنچه حرکت در آن رخ می‌دهد، مبدأ حرکت، منتهای حرکت و زمان، حرکت، محرک و متحرک سه امر مستقلند یا یک امر واحد. در فصل دوم ابن سینا سرشت حرکت را بررسی می‌کند و این بررسی را در پرتو نسبت حرکت با مقولات قرار می‌دهد. در آغاز سه رأی را مطرح می‌کند که از همان آغاز بر شمردن آراء روشن می‌شود که مقصودش از بررسی نسبت حرکت با مقولات در واقع بررسی سرشت حرکت است: نخست کسانی که حرکت را از مقوله انفعال (أن یفعل) می‌دانند، ددیگر کسانی که حرکت را بر اصنافی که ذیل آن واقع می‌شود جز از طریق اشتراک لفظی صرف نمی‌پذیرند و سدیگر کسانی که لفظ حرکت را مانند لفظ وجود به گونه تشکیک می‌پذیرند. از میان این سه رأی، ابن سینا نخست به بررسی رأی سوم می‌پردازد و پس از ارزیابی رأی سوم و ایرادهای وارد بر آن، رأی نخست را بررسی می‌کند. در این میان، رأی دوم شایسته بررسی قلمداد نمی‌گردد و از همین رو است که عبارت «والمذاهب الملتفت إليها» تأکیدی است بر آنکه فقط از آراء شایسته التفات سخن به میان خواهد آمد.

بنا بر این مسأله‌ای که حکیم تنکابنی بررسی تفصیلی آن را در رساله‌ای مستقل ارزشمند دانسته است، هم از نظر فلسفی و هم از نظر تاریخی ارزشمند است: از نظر فلسفی بدین سبب که مسأله حرکت و تحلیل مفهومی آن از دیرباز ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود

مشغول داشته است از یک سو هراکلیتوس هستی را چنان با حرکت قرین دانسته که گویا هستی همان حرکت است^{۱۳} و از سوی دیگر پارمنیدس هستی را چنان توصیف کرده که حرکت بیگانه با آن شمرده شده است.^{۱۴} از نظر تاریخی نیز یادشدنی است که نخستین تبیین مفصل و فلسفی از این مسأله در کتاب *سماع طبیعی* ارسطو بیان شده است^{۱۵} و از خلال گزارش‌های گوناگون از آن در دوره اسلامی نیز ابن سینا در آثار خود به ویژه در کتاب *الشفاء* تبیین فلسفی خود را در باب سرشت حرکت ابراز کرده است.

۳. زمینه بحث

مسئله حرکت در زمره مسائل مهم فلسفی است که ابن سینا عمدتاً در همه آثار فلسفی خود به ارزیابی آن پرداخته است. اندیشمندان بعدی در آثار خود چه آثار فلسفی و چه آثار کلامی هر گاه شایسته سخن گفتن از مسئله حرکت بوده است به آثار ابن سینا به ویژه *الشفاء* و *الإشارات والتنبیها* و نیز *التحصیل* نگارش بهمنیار بن مرزبان استناد کرده‌اند و سخنان این دو اندیشمند را حجتی بالغ در این موضوع می‌شمردند. در شرح‌های برجای مانده بر کتاب *الإشارات والتنبیها* به ویژه از روزگار فخرالدین رازی تا قطب‌الدین رازی بارها می‌توان استنادات شارحان به سخنان ابن سینا و بهمنیار را مشاهده کرد. این استنادها فقط به سنت تفسیری *الإشارات والتنبیها* محدود نمی‌گردد بلکه در سنت تفسیری کتاب *تجريد الاعتقاد* نصیرالدین طوسی نیز آشکارا دیده می‌شود.^{۱۶} از میان شرح‌های گوناگون، شرح علاءالدین قوشچی و حاشیه‌نگاری‌های پرشمار بر آن نمونه‌ای روشن در بیان استنادات بسیار به آراء ابن سینا خصوصاً در مبحث حرکت است. از آنجا که حکیم تنکابنی در *رساله حرکت در مقولات* به ارزیابی نگرش جلال‌الدین دوانی در باب حرکت پرداخته است، بسیار مناسب است تا سخن دوانی و خاستگاه آن که شرح قوشچی بر *تجريد الاعتقاد* است، به خوبی بررسی شود.

طوسی در کتاب *تجريد الاعتقاد* سه مقصد نخست را به مباحث الهیات بالمعنی الأعم یا امور عامه که شامل مباحث فلسفی است اختصاص داده است و در میان مباحث آغازین مقصد اول که به وجود و عدم پرداخته است، سخنی دارد که در آن به احکام وجود اشاره می‌کند.^{۱۷} در سخن طوسی چنین بیان شده است که وجود نه زیادت در آن راه دارد و نه اشتداد: «ولا تزايد فيه، ولا اشتداد». این عبارت طوسی در سخنان شارحان *تجريد* نظیر علامه حلّی، بهشتی اسفراینی، شمس‌الدین اصفهانی و قوشچی به گونه‌ای متفاوت تعبیر

شده است و از میان این شارحان فقط قوشچی است که با صراحت این عبارت را در پیوند با مبحث حرکت قلمداد کرده است:

ولأن المراد بالتزايد هو حركة الماهية في الوجود على طريقة الحركة في الكميات كما أن المراد بالاشتداد هو الحركة فيه على نحو الحركة في الكيفيات لكن حركة شيء في حال من أحواله إنما يتحقق إذا تبدل أنواع تلك الحال أو أفرادها على هذا المتحرك بحيث يكون له في كل آن يفرض من/في زمان حركته حالة لا يكون تلك الحالة قبل ذلك الآن ولا بعده، فإن المتحرك في الأين لا بد له في كل آن ومن أين لا يوجد ذلك الأين قبله ولا بعده، وكذلك المتحرك في الكيف لا بد له في آن من كيفية لا توجد قبله ولا بعده، وعلى هذا القياس حال المتحرك في الكم والوضع. فلا شك أن المتحرك يجب أن يكون باقياً بعينه من مبدأ إلى منتهاها حتى يتصور تبدل الأحوال على شيء واحد بعينه فيكون متحركاً في تلك الحال. فوجب أن يكون متقوماً دون الأحوال التي يتحرك فيها فيما لا يتقوم المحل بدونها كالوجود لا يتصور حركته فيه.

وأقول: فيه بحث لأن الماهية لا تتقوم بدون واحد من أفراد الوجود لا على التعيين كما أن الهيولى إنما تتقوم بواحد من أفراد الصور لا على التعيين فحينئذ يجوز أن يتوارد عليها وجودات متعاقبة على قياس تعاقب الصور على الهيولى بحيث إذا انتفى عن الماهية وجود في آن تحقق في ذلك الآن بعينه وجود آخر أشد من الأول أو أزيد منه، لا بد لإبطاله من دليل.^{۱۸}

البته یادشدنی است که سخن قوشچی در باب حرکت فقط به مطالب یادشده در ضمن تفسیر سخن طوسی در باب «عدم تزايد و اشتداد در وجود» محدود نمی‌گردد بلکه در مواضعی دیگر نیز بحث حرکت در شرح وی موسوم به شرح جدید مطرح شده است. سخن یادشده از قوشچی را باید شامل دو بخش دانست. بخش نخست که در بردارنده سخن قوشچی بر مبنای تفسیر رأی طوسی است که بر این مبنا مفهوم تزايد و اشتداد در پرتو مفهوم حرکت تبیین شده است. بدین صورت که تزايد، همان «حرکت ماهیت در وجود» به شیوه «حرکت در کمیات» است و اشتداد، همان «حرکت ماهیت در وجود» به شیوه «حرکت در کیفیات» است. مقصود قوشچی در تفسیر خود از تزايد همان نمو و ذبول و از تفسیر اشتداد همان استحاله است. البته وی در کلام خود به این مطلب تصریح نمی‌کند. سپس قوشچی تحقق حرکت شيء را در حالتی از احوال شيء منوط به تبدل انواع یا افراد آن حالت بر این متحرك (شيء) می‌داند به گونه‌ای که در هر آنی که از زمان حرکت فرض شود متحرك دارای حالتی است که در دو آن قبل و بعد غیر از یکدیگرند. بنا بر این

متحرک دارای هر گونه‌ای از حرکت باشد، خواه در مکان، کیفیت، کمیت یا وضع، آنگاه باید از ابتدا تا انتهای حرکت بقاء داشته باشد تا تبدل احوال بر شیء واحد صدق کند (تصور شود) و نیز در آن حالت عنوان متحرک بر آن صادق باشد. در نتیجه باید قوام‌دهنده‌ای مانند «وجود» در کار باشد که در آن، حرکت شیء تصورشدنی نیست و برای قوام خود بی‌نیاز از محلّ (آنچه حرکت در آن رخ می‌دهد) است و در عین حال دارای احوالی نیست که حرکت در آن رخ می‌دهد (مانند ماهیت). بخش دوم سخن قوشچی در بردارنده اعتراضی است که وی بر مبنای تفسیر «تزايد و اشتداد» ارائه کرده است و به باور وی در پایان بخش دوم کلام خود مبنای سخن طوسی را با یک دلیل باطل کرده است. اعتراض قوشچی مبتنی بر دو مبنا است: فهم وی از ماهیت و اینکه نسبت یکسان میان ماهیت و وجود از یک سو و هیولی و صورت از سوی دیگر برقرار است. در نظر وی ماهیت جز با یک فرد از افراد وجود البته به گونه تعین نیافته — لا علی التعین — قوام می‌یابد همان گونه که شأن هیولی این است که با یک فرد از افراد صورت به نحو تعین نیافته قوام می‌یابد. پس جایز است که وجودات به گونه پی‌درپی بر ماهیت وارد شوند به همان گونه که صورت‌ها بر هیولی وارد می‌شوند به طوری که اگر در یک آن، وجودی از ماهیت زایل (انتفاء) گردد در همان آن، وجودی دیگر تحقق می‌یابد که شدت یا زیادتش بیشتر از وجود اول (زایل شده) است. اعتراض قوشچی را می‌توان چنین ارزیابی کرد:

از آنجا که وجود به ماهیت تقوّم می‌دهد و این تقوّم با وصف «لا علی التعین» همراه است این سخن در باب هیولی و صورت نیز صادق است چرا که صورت به هیولی با وصف «لا علی التعین» قوام می‌بخشد. همچنین قوشچی دو تعبیر «توارد وجودات بر ماهیت» و «تعاقب صور بر هیولی» را به کار برده و این دو را هم‌تراز با یکدیگر دانسته است. از تعبیر «توارد و تعاقب» نوعی جریان مستمر در جهان متبادر می‌شود و از تعبیر «وجودات» و «صور» که به صورت جمع به کار رفته است، نوعی پویایی و تجدّد برداشت می‌شود. به نظر می‌رسد فهم قوشچی از تزايد و اشتداد به آنچه بعدها با قول به اصالت وجود توصیف شد، قرابت داشته باشد یا دست‌کم زمینه را برای پیدایش قول به اصالت وجود فراهم کرده باشد. در تأیید این برداشت می‌توان بر دو عبارت از سخنان قوشچی تأکید کرد:

یکی عبارت «إذا انتفی عن الماهیة وجود» است که در این عبارت قوام ماهیت وابسته به وجود تلقی شده است و با زوال فردی از افراد وجود، ماهیت نیز زوال می‌یابد. بنا بر این،

استقلال در قوام، به وجود تعلق دارد و ماهیت در قوام خود به وجود وابسته است یا به تعبیر دیگر قوام حقیقی و بالذات از آن وجود است و قوام مجازی و بالعرض از آن ماهیت. نیز با به کار بستن قاعده «ثبوت الشيء لشيء فرع ثبوت مثبت له» نسبت به رأی قوشچی می توان چنین نتیجه گرفت که ثبوت وجود (مثبت له) مقدم بر ثبوت ماهیت در نظر گرفته شده است. البته باید توجه داشت که می توان مفاد عبارت یادشده را با مفاد عبارت «زیادت وجود بر ماهیت» از یک سنخ دانست جز آنکه عبارت «انتفاء ماهیت از وجود» به گونه سلبی از نسبت میان وجود و ماهیت حکایت دارد و عبارت «زیادت وجود بر ماهیت» به گونه ایجابی از نسبت وجود و ماهیت اشاره دارد. نتیجه سخن قوشچی را می توان چنین بیان کرد:

الف) تزیاید و اشتداد در اصل در وجود تحقق می پذیرد و اگر هم تزیاید و اشتداد در ماهیت تحقق می پذیرد به سبب وابستگی ماهیت به وجود است. ب) با آنکه قوشچی با صراحت از حرکت در وجود سخن نگفته است اما با بیان این مقدمات می توان چنین نتیجه گرفت: مقدمه اول: ماهیت بدون وجود قوام ندارد. مقدمه دوم: تزیاید و اشتداد به معنای حرکت ماهیت در وجود است. نتیجه: تزیاید و اشتداد بالحقیقه به معنای حرکت وجود است و بالتبع به معنای حرکت ماهیت در وجود. در نهایت می توان چنین بیان کرد که نه تنها حرکت در وجود قابل تصور است بلکه حرکت ماهیت در وجود جز با حرکت در وجود قابل تصور نیست. تبیین فلسفی حرکت در خلال سنت تفسیری کتاب تجرید الاعتقاد با آنچه جلال الدین دوانی در حاشیه نگاری خود بر شرح قوشچی بیان کرده است، روزنه ای متفاوت به بحث می گشاید:

قوله: أقول فيه بحث إلى آخره.

أقول: لما تقرر أن الحركة يستلزم أن يكون للمتحرک في كل آن يفرض فرد من المقولة التي فيها الحركة لا يكون له قبل ولا بعد، فلا محالة يكون تلك الأفراد موجودة بالقوة — كما صرح به الفارابی وغيره — لا بالفعل وإلا لزم تعاقب الآنات وكون الأمور الغير المتناهية الموجودة المترتبة محصورة بين الحاصرين. فلو وقع الحركة في الوجود لزم أن يكون وجوده بالقوة فلا يكون المتحرک باقياً بالفعل. وبمثل هذا يظهر أنه لا يمكن للهيولى الحركة فى الصورة.

وأما جواز تبدل الوجود على نحو تبدل الصور — أعنى دفعة لا على سبيل التدریج — فليس الكلام هاهنا فى نفيه بل المطلب هنا نفي الحركة فيه — كما صرح به الشارح — فلا یرد ما أورد علیه.

فإن قلت: يلزم من هذا أن لا يكون للمتحرک الأینی مکان بالفعل ولا للمتحرک الكمی کم بالفعل وهو باطل بالضرورة.

قلت: إنما يتصف المتحرک بالفعل حال الحركة بالتوسط بين تلك الأفراد والأعراض، وذلك التوسط حالة بين صرافة القوة ومحوضة الفعل، والقدر الضروري هو أن الجسم لا يخلو من تلك الأعراض والتوسط فيها. وأما أنه لا يخلو من أفرادها بالفعل فليس ضرورياً ولا مبرهنًا بل البرهان ربما اقتضى خلافه.

قال الشيخ في الشفاء^{۱۹} بعد ما حقق أن لا حركة في الجوهر لأن المتحرک يكون له صورة هو بالفعل ويكون جوهرًا موجودًا بالفعل فإن كان هو الجوهر الذي كان قبل فهو حاصل موجود إلى وقت حصول الجوهر الثاني، وإن كان جوهرًا غير الذي منه وإليه فيكون قد فسد الجوهر الأول إلى الجوهر الوسط وتميز جوهران [بالفعل]. والكلام فيه كالكلام في الجوهر الذي فرض الحركة فيه [منه].... ولا يلزم مثل هذا على حركة الاستحالة لأن الهبولي محتاجة في قوامها إلى وجود صورة بالفعل والصورة إذا وجدت حصلت نوعًا بالفعل فوجب أن يكون الجوهر الذي بين الجوهرين أمرًا بالفعل ليس بالفرض ولا كذلك الأعراض التي يتوهم بين كفتين فإنها مستغنى عنها في قوام الموضوع بالفعل.^{۲۰}

از میان آنچه قوشچی در تفسیر تزايد و اشتداد در دو بخش یادشده در بالا بیان داشته است، دوانی تنها به بخش دوم کلام قوشچی نظر داشته است، همانجا که اعتراض قوشچی به طوسی ابراز شده است. سخن دوانی را می توان دارای سه نکته و یک شاهد دانست.

الف) وقتی بیان شد که متحرک در هر آنی که فردی از مقوله ای که حرکت در آن واقع می شود فرض گردد حرکت را لازم دارد، بدین گونه که متحرک قبل و بعد از مقارنت با حرکت چنین ملازمتی را دارا نباشد، پس ضرورتاً افراد حرکت بالقوه وجود دارند و نه بالفعل، همانطور که فارابی و دیگران بدان تصریح کرده اند، در غیر این صورت دو لازمه در پی خواهد داشت: تعاقب آنات و نیز امور غیر متناهی پی در پی موجود و محصور بین دو حاصر. پس اگر «حرکت در وجود» واقع شود لازم می باشد که وجودش بالقوه باشد پس متحرک بالفعل باقی نخواهد بود. از این مطلب آشکار می گردد که هیولی حرکت در صورت ندارد.

ب) اما اینکه تبدل وجود به شیوه تبدل صور — یعنی به شیوه دفعی و نه به شیوه تدریجی — جایز باشد، پس در اینجا سخن از نفی «تبدل وجود» نیست بلکه در اینجا سخن در نفی «حرکت در وجود» است — همانطور که شارح بدان تصریح کرده است — پس ایراد شارح وارد نیست.

ج) پس اگر قائلی بگوید که لازمه این سخن این است که متحرک آینی، مکان بالفعل نداشته باشد و نیز متحرک کمی، کم بالفعل نداشته باشد، آنگاه چنین لازمه‌ای باطل است. در پاسخ گفته می‌شود که همانا متحرک بالفعل متصف به حرکتی است میانه افراد و اعراض حرکت، و میانه، حالتی است میان قوه صرف و فعلیت محض، و آن میزان از حالات که برای متحرک ضرورت دارد این است که جسم بی بهره از آن اعراض و حالات میانه در اعراض نباشد. اما اینکه جسم بی بهره از افراد بالفعل نباشد، ضروری و مبرهن نیست بلکه چه بسا برهان، خلاف آن را اقتضا دارد. پس از بیان سه نکته یادشده یعنی اینکه حرکت در وجود به گونه بالقوه است نه بالفعل، ددیگر نفی حرکت در وجود نه نفی تبدیل وجود، و سدیگر اینکه آنچه برای متحرک ضرورت دارد این است که جسم دارای اعراض و حالات میانه اعراض بالقوه بودن و بالفعل بودن در اعراض باشد و آنچه ضرورت دارد این است که جسم دارای افراد بالفعل نباشد.

دوانی پس از ارزیابی دیدگاه قوشچی، رأی خود را بیان می‌کند و سپس به نقل بخش‌هایی از سخنان ابن سینا از فصل سوم از مقاله دوم فن سماع طبیعی کتاب الشفاء با عنوان فی بیان المقولات الّتی تقع الحركة فیها وحدها لا غیرها می‌پردازد. به نظر می‌رسد تمسک دوانی به سخن ابن سینا مبتنی بر دو نکته باشد: یکی اینکه اعتراض دوانی به قوشچی صرفاً برداشت شخصی نیست بلکه اظهارات دوانی مستند به سخن ابن سینا است؛ دوم اینکه سخن طوسی در باب نفی تزايد و اشتداد در وجود با سخن ابن سینا در باب نفی حرکت در جوهر سازگار است. به نظر می‌رسد که حکیم تنکابنی پس از بررسی سخنان قوشچی و دوانی دریافته است که ارزیابی خود را در رساله‌ای مستقل نشر دهد و با الهام از سخنان ابن سینا در فصل دوم از مقاله دوم «سماع طبیعی» الشفاء که سرچشمه بحث در باب سرشت حرکت است، رأی خود را بیان کند.

۴. ارزش فلسفی اثر در پرتو تبیین دیدگاه حکیم تنکابنی

از منظر فلسفی، ابن سینا در فصل حرکت در مقولات فن سماع طبیعی الشفاء به بررسی سرشت حرکت پرداخته است که باید یکی از فلسفی‌ترین مباحث طبیعیات الشفاء شمرده شود.^{۲۱} وی در بررسی خود، نگرشهای گوناگون در این بحث را بر پایه دو مفهوم مشترک لفظی و مشکک ارزیابی کرده است. افزون بر دو مفهوم یادشده، ابن سینا از دو مفهوم نوع و جنس نیز در تبیین نسبت حرکت با مقولاتی که در آنها امکان وقوع حرکت هست، بهره

گرفته است. همچنین دو مقوله‌ای که در تعیین سرشت حرکت دارای نقش بنیادی شمرده شده است، کیفیت و انفعال است که در این مبحث از آن دو مقوله یاد شده است. در نهایت، می‌توان ثبات، اشتداد و سیلان را نیز به مجموعه مفاهیم کلیدی در تبیین سرشت حرکت افزود که ابن سینا از آنها بهره گرفته است. ابن سینا در ارزیابی خود سه نگرش را دارای ارزش التفات شمرده است و از بیان اینکه قائل هر نگرش کیست خودداری کرده است. در نگرش نخست، حرکت در مقوله «ان ینفعل» قلمداد شده است، در نگرش دوم حرکت امری تشکیکی دانسته شده است بدین معنی که مقولاتی که حرکت در آن جریان می‌یابد جنس حرکت قلمداد می‌شوند و حرکت به مثابه نوع این مقولات شمرده می‌شود. نگرش سوم، حرکت را تشکیکی می‌داند بدین معنی که نه حرکت، جنس مقولات است و نه مقولات جنس حرکت. ابن سینا در بررسی سرشت حرکت، دو نگرش را شایسته ارزیابی می‌داند که در آن دو نگرش، حرکت بر پایه مفهوم تشکیک به ما شناسانده می‌شود. جالب توجه این است که ابن سینا در ارزیابی این دو نگرش از پیوند میان سواد (سیاهی) و تسوّد (سیاه شدن) بهره گرفته است. در یک نگرش سیاهی و سیاه شدن هر دو در زمره کیفیات قلمداد شده است و تمایز میان این دو در این است که سیاهی امری ثابت و سیاه شدن امری سیال است. ابن سینا در ارزیابی این نگرش، سیاهی و سیاه شدن را نه وابسته به یک مقوله بلکه وابسته به دو مقوله می‌داند: سیاهی از مقوله کیفیت و سیاه شدن از مقوله انفعال.

در هر صورت، چند نکته در این بحث بایسته التفات است. یکی اینکه ابن سینا نگرش خود را در باب سرشت حرکت بعد از ارزیابی نگرشهای مهم در این موضوع و نیز پیامدهای وابسته به آن نگرشها بیان می‌کند. دوم اینکه ابن سینا نحوه بیان نگرش خود را در سنجش با دیگر نگرشها به گونه‌ای متفاوت ابراز می‌کند. تفاوت بیان ابن سینا را می‌توان بدین صورت گزارش کرد: وی در دیگر نگرشها چنین بیان می‌کند که حرکت برای نمونه امری است مبتنی بر اشتراک لفظی، یا امری است مشکک؛ یا اگر مشکک است به گونه این قار است یا اینکه سواد ثابت است یا سواد سیال است اما هنگامی که نگرش خود را در باب سرشت حرکت بیان می‌کند به تحلیل فلسفی انفعال می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا انفعال همان حرکت است یا اینکه نسبتی است میان حرکت و امری دیگر؛ و اینکه اگر انفعال همان حرکت است آنگاه حرکت امری مطلق است یا مقید؟ می‌توان گفت ابن سینا با بهره‌گیری از این شیوه، با آنکه قصد ندارد قول مشهور در باره شمار مقولات

دهگانه را بسان ارسطویان بپذیرد و اینکه هر یک از این مقولات، را جنس حقیقی بشمرد، با این اوصاف، انفعال و حرکت را از یک باب قلمداد کرده است.

بعد از بیان دیدگاه ابن سینا در باب سرشت حرکت، شایسته است در اینجا تبیین حکیم تنکابنی از رأی ابن سینا مطرح گردد. رساله حرکت در مقولات حکیم تنکابنی را در دو «سطح» باید لحاظ کرد: ۱. سطح تحلیل مسأله به صورت متن، ۲. سطح ملاحظات تکمیلی به صورت حواشی و تعلیقات. حکیم تنکابنی ملاحظات تکمیلی یا تعلیقات خود را در شش موضع بیان کرده است که فقط ناظر به نیمی از مباحث رساله است. پاسخهای حکیم تنکابنی به نگرشی که سرشت حرکت را مبتنی بر تشکیک شناسانده است به صورت ساختار «قال - أقول» مطرح شده است که خواننده را به قرائت متن رساله ترغیب می‌کند. به نظر می‌رسد دغدغه حکیم تنکابنی برای نگارش این رساله در پیوند با مباحثات برآمده از تفسیر و حاشیه‌نگاری بر *تجربید الاعتقاد* پدید آمده باشد. ساختار رساله به گونه‌ای است که نشان می‌دهد غرض نویسنده، پاسخ به شبهه‌ای در باب سرشت حرکت است. در واقع، حکیم تنکابنی به یکی از سه نگرش یادشده در سخنان ابن سینا التفات ویژه کرده است که ابن سینا آن نگرش را چنین توصیف کرده است: نگرش "میانی" مرا خوش نمی‌آید «ولیس یعجبنی المذهب الأوسط». در این نگرش سرشت حرکت بر پایه نوعی تشکیک است و بدین صورت تبیین شده است که میان سیاهی (سواد) و سیاه شدن (تسود) تمایز به فصل لحاظ شده است. در این نگرش تسود، سواد سیال قلمداد شده است و مقولاتی که در آنها حرکت وقوع می‌یابد نیز از همین خصلت برخوردارند. نکته جالب توجه در این نگرش، تلقی مقولات به صورت یک "طیف" است. برای نمونه سیاهی دارای طیفی از افراد سیاه است که با گونه‌ای "افزوده شدن" از سیاهی ثابت به سیاهی سیال بدل خواهد شد. این سیاهی سیال، همان سیاه‌شدن است. در توضیح این مطلب می‌توان بر پایه سخنان ابن سینا چنین افزود: در «سواد» می‌توان «اشتداد» را به دو گونه در نظر گرفت: الف) یا آن سواد، خودش هنوز باقی باشد، ب) یا اینکه دیگر موجود نباشد. اگر دیگر موجود نباشد و امری دیگر جایگزین آن گردد، آنگاه حرکتی در کار نیست. به عبارت دیگر، وقتی سواد، از بین رفته است دیگر از اوصاف آن به حرکت نمی‌توان سخن گفت. در نتیجه از چند سواد باید سخن گفت که یکی بعد از دیگری زائل شده‌اند و نه از امر بسیط واحد. پیامد این فرض این است که از آغاز سواد، دارای پیوستگی نبوده است. فرض نخست نیز بدین معنی است که سواد از ثبات، برخوردار است و امری افزون بر سواد نخستین، بر آن عارض می‌گردد.

پیامد این دو فرض از این واقعیت حکایت دارد که سواد دارای اشتداد نخواهد بود بلکه از واقعیتی دیگر با عنوان تسوّد برخوردار است. در نتیجه، تسوّد، سواد سیّال یا به تعبیری، سوادى که سیلان و اشتداد می‌پذیرد، نیست، بلکه اشتداد موضوع در سواد است.^{۲۲}

حکیم تنکابنی با به‌کار بردن تعبیر ابطال و انتفاء در اثر خود، ناخرسندی خود را از این نگرش ابراز می‌کند و اینکه سرشت حرکت فردی سیّال از یک مقوله تلقی شود یا اینکه به طور مطلق، فردی سیّال لحاظ شود، مردود می‌شمرد. بنا بر این ارزش فلسفی این رساله هم از نظر شیوه بررسی حکیم تنکابنی در بحث سرشت حرکت است و هم از این جهت که وی مضمون بحث را با دیگر مباحث فلسفی که اندیشمندان دیگر در آثارشان مطرح کرده‌اند، پیوند داده است. باید خاطر نشان کرد که در اینجا برخی از عبارات کلیدی رساله حکیم تنکابنی برگزیده شده است و بعد از هر عبارت، تبیینی از سخن وی ارائه می‌شود. در عمده موارد، به نقل از آغاز و انجام عبارت تنکابنی اکتفا شده است.

- وإن كان إبطال كون الحركة فرداً سيّالاً للمقولة لكن على تقدير تمامه يدلّ على انتفاء الفرد السيّال مطلقاً.

به باور حکیم تنکابنی، درست است که سخن از نفی فرد سیّال در مقوله‌ای که حرکت در آن رخ می‌دهد به میان آمده است اما با این فرض که در تمام مقولات چنین امری رخ نخواهد داد، آنگاه فرد سیّال به طور مطلق نفی گردد.

- فنقول: السواد بعينه موجود.

از میان دو قولی یادشده در بالا، حکیم تنکابنی این قول را می‌پذیرد که «سواد بعینه» موجود است چرا که اگر موجود نباشد دیگر نمی‌توان از آنچه در اثر حرکت، دگرگون می‌گردد، سخن گفت.

لم تعرض له زيادة بمعنى كون السواد معروضاً بل السواد السيّال يصدق عليه في جميع الآنات المفروضة من الزمان أنه موجود.

به باور حکیم تنکابنی، زیادت به این معنی نیست که سواد، امری است ثابت که پذیرنده زیادت می‌گردد و آن زیادتی که عارض بر سواد می‌گردد، پذیرای حرکت خواهد بود بلکه سواد، در هر لحظه از زمانی که در نظر گرفته شود، سیلان بر آن صدق می‌کند و این سواد سیّال موجود است.

- إن اختلاف الشدة والضعف في الحركة بصير سبباً لاختلاف أنواع الحركة وآثارها نقول في فرد المقولة وآثاره.

اختلاف شدت و ضعف در حرکت سبب اختلاف انواع حرکت و آثار آن می‌شود زیرا متحرک واحد بر حسب مبدأ و منتهی حرکت می‌کند و دیگر اموری که در وحدت حرکت از اعتبار برخوردار است در این امور دارای اختلاف است:

الف) اجزاء فرضی آن در اجزاء زمان (از حیث شدت و ضعف)

ب) آثار آن (مانند اختلاف حاصل از اجزاء حرکت قسری و طبیعی)

ج) آثار این دو نوع از حرکت در اجزاء مسافت از آن جهت که حرکت واحد بالشخص شمرده شود.

به باور حکیم تنکابنی تمام این اختلافات در هر فرد از مقوله‌ای که حرکت در آن رخ می‌دهد، صادق است در حالیکه دیگران، خاستگاه این اختلاف را حرکت و آثار آن شمرده‌اند.

- وجود امر فی أثناء الحركة يفرض فيه الأفراد المتعددة المتفقة أو تنسب إليه الأفراد والآثار المختلفة، سواء زعمته حركة أو انفعالاً أو قوة، إذ كون الشيء قوةً لشيءٍ لا ينافي فعليته ووجوده، بدیهی.

به باور حکیم تنکابنی وجود امری که در فرایند حرکت افراد گوناگون برای آن بتوان فرض کرد بدیهی شمرده می‌شود خواه این افراد دارای اشتراک معنوی با یکدیگر باشند خواه این افراد و آثارشان به امری واحد منتسب شوند (به نحوی تشکیکی با یکدیگر مرتبط شوند).

- العقل يحكم بأن نسبة الكم والكيف والوضع إلى المتحرك في واحدٍ منها يدل على وجود فرد المقولة في سائر المقولات.

عقل روا می‌شمرد که نسبت کم و کیف و وضع به متحرک در هر یک از این سه مقوله مانند نسبت مکان‌مند به متحرکی است که در آن حرکت رخ می‌دهد. برهانی که برای وجود فرد در یکی از این مقولات اقامه می‌شود، در سایر مقولات نیز از اعتبار برخوردار است.

- لا يقال فرد المقولة على تقدير وجوده في أثناء الحركة إما زمانياً أو آنياً فظهر أن الجسم لا يتصف بالمقدار لا في زمان الحركة ولا في الآتات المفروضة فيه، وهو المطلوب.

به باور حکیم تنکابنی روا نیست وجود فرد مقوله در فرایند حرکت چه در زمان و چه در آن مفروض گرفته شود زیرا چنین فرضی دو تالی فاسد دارد: یا اینکه متحرک جسم

باشد، نفی می‌گردد یا اینکه جسمی یافت شود و حرکت در کم بر آن صدق کند، نفی می‌گردد. از این رو، جسم متّصف به مقدار نیست نه در زمان حرکت و نه در آنات مفروضی که جسم در آن حرکت می‌کند.

- فالحق أنّ جسمیة الجسم كما يمكن أن يكون بالتّصافه بالمقدار بالفعل يمكن أن يكون بالتّصافه بقوة المقدار لأنّ مدار جسمیة شیء علی إمكان فرض الخطوط المتقاطعة علی قوائم فيه وهو متحقّق علی تقدیر قوّة المقدار كما يتحقّق علی تقدیر فعلیته أيضاً.

پس حق این است که جسمیت جسم همانگونه که بر پایه اتّصاف جسم به مقدار بالفعل استوار می‌گردد همچنین بر پایه اتّصاف جسم به مقدار بالقوه استوار می‌گردد چرا که جسمیت یک شیء بر پایه امکان فرض خطوط متقاطع به صورت عمود بر یکدیگر استوار می‌گردد و این امر با فرض مقدار بالقوه یا بالفعل تحقّق می‌یابد.

۵. گزارش نسخه‌شناسی رساله

این رساله به زبان عربی است و از آن، هشت نسخه در فهرست کتابخانه‌های ایران شناسایی شده است. عنوان این رساله به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر در کتابخانه‌های گوناگون ثبت شده است. در دو کتابخانه با عنوان فارسی و در دیگر کتابخانه‌ها با عنوان عربی ثبت شده است. عنوانهای گوناگون این اثر عبارت است از: حاشیه الشفاء، رساله فی تحقیق الحركة فی المقولات، رساله فی الحركة، رساله فی بیان الحركة فی المقوله، ابطال بودن حرکت در مقوله‌ای از افراد این مقوله، ابطال کون الحركة فرداً سیالاً و رساله در حرکت. هر یک از این عنوانها به یکی از ویژگی‌های این رساله اشارت دارد و از این میان، عنوانی که با فصل مربوط در الشفاء بیشترین قرابت را داشت برگزیده شد. قدیمیترین نسخه با تاریخ کتابت ۱۱۰۱ قمری در کتابخانه مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود و در ترقیمه آن کتابت اثر به دست محمد صادق فرزند مصنّف ثبت شده است. این نسخه دارای اصلاحات متن در حاشیه نسخه است اما از تعلیقات تکمیلی مصنّف در آن اثری نیست. نسخه کتابخانه مهدوی با تاریخ کتابت ۱۱۰۵ قمری است و قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که دارای تعلیقات تکمیلی مصنّف است. این تعلیقات تکمیلی در شش موضع از هامش رساله ثبت شده است. در تصحیح حاضر، این تعلیقات تکمیلی در چارچوب مستطیل و در سمت راست هامش متن، ثبت شده است و با نشانه‌های عددی بدانها اشاره شده است. نسخه کتابخانه مجلس با تاریخ کتابت ۱۱۱۵ قمری از روی نسخه مصنّف تحریر شده که تاریخ آن نسخه ۱۱۰۰

قمری است. نظر به اینکه تصویر نسخه کتابخانه خوئی در مشهد از طریق کتابخانه احياء تراث اسلامی در قم به دست آمد، کار تصحیح این رساله بر اساس همین تصویر انجام گرفت. همچنین باید خاطر نشان کرد از آنجا که نسخه کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی به کتابخانه ملی ایران انتقال یافته است، بنا بر این شمار نسخه‌های این رساله در اصل شش نسخه است. در جدول زیر اطلاعات نسخه‌شناسی رساله مورد بحث به تفکیک مکان نگهداری و ویژگی‌های هر یک ارائه می‌گردد. نکته جالب توجه این است که حکیم تنکابنی پس از تصنیف رساله خود، شش تعلیقه را بر برخی مواضع بحث افزوده است. در پایان این تعلیقات در هر نسخه با یکی از این تعبیرها «منه، منه سلمه الله، منه دام ظلّه» مشخص شده است که حکایت از آن دارد که دست کم کتابت برخی از این نسخه‌ها در زمان حیات مصنف انجام گرفته است. در تصحیح رساله حکیم تنکابنی دو نسخه مرعشی و مهدوی از نظر قدمت و دقت مبنای تصحیح قرار گرفت و رسم الخط امروزی در ارائه متن منقح برگزیده شد. در پایان ارائه متن، بخش آغاز و انجام دو نسخه مرعشی و مهدوی به پیوست تقدیم شده است.

جدول اطلاعات نسخه‌شناسی رساله فی بیان الحركة فی المقولة

عنوان در فهرست	کتابخانه	شهر	نشانه	شماره نسخه	شماره برگ	تاریخ کتابت	کتابشناسی	ملاحظات
۱	مرعشی	قم	م	۱۳۳۷/۶	۴۶-۴۸	۱۱۰۱	جلد ۳۱، ص ۲۷۲/دنا ۱-۱۰۵	فاقد تعلیقات تکمیلی مصنف
۲	مهدوی	تهران	د	۵۹۲/۵	۱۲۳-۱۲۵	۱۱۰۵	نشریه ۲- ۶۱۴/دنا ۴-۱۲۵	دارای تعلیقات تکمیلی مصنف
۳	گلپایگازی	قم	ن	۵۰۱/۸۵- ۲۵/۱۰۸	۴۱-۴۷	۱۱۱۰	۱۶۱۹-۳ ۱۸۶۲	دارای تعلیقات تکمیلی مصنف
۴	مجلس	تهران	س	۱۴۷۱۹/۲	۱۳ب- ۱۶ب	۱۱۱۵	مختصر ف: ۱۱۵/ دنا ۴-۶۱۴	دارای تعلیقات تکمیلی مصنف
۵	ملی	تهران	ل	۱۸۸۹۷	۱۱۰-۱۱۴	۱۱۲۱	۵۳۵-۱۰	دارای تعلیقات تکمیلی مصنف
۶	خوئی	مشهد	خ	۷۲/۱۰	۱۶۷ب- ۱۶۵الف	۱۱۵۲	۴۷	دارای تعلیقات تکمیلی مصنف

دارای تعلیقات تکمیلی مصنف	عکسی ۴-۲۲۸	۱۱۵۲	۳۲۶-۳۲۱	۱۳۸۰/۱۰	-	قم	مرکز احیاء	ایطال کون الحركة فردا سیئال	۷
دارای تعلیقات تکمیلی مصنف	نشریه ۷-۷۸۵ دنا ۴-۶۱۴	۱۱۲۱	۶۰-۵۴	۳۸/۴	-	رامسر	فرید تنکابنی	رساله در حرکت	۸

۶. نتیجه گیری

در مقاله حاضر تمایز میان طبیعت‌شناسی الشفاء و الاشارات بدین صورت آشکار شد که طبیعت ابن سینا در کتاب الشفاء به سبب طرح تفصیلی مسائل گوناگون طبیعت‌شناسی و ارزیابی انتقادی نگرشهای گوناگون و در مواردی به شیوه قال - أقول سبب شده است بیشتر به عنوان منبعی برای پژوهشهای اهل فن در قرون بعدی لحاظ شود و دیگر آثار ابن سینا نظیر الاشارات والتنبیهات بیشتر به عنوان منبعی برای فراگیران فلسفه در نظر گرفته شده‌اند. از این رو، از تفسیر و حاشیه‌نگاری بر فن طبیعت‌شناسی الشفاء به ندرت گزارش شده است. حکیم تنکابنی با نگارش «رساله حرکت در مقولات» اهمی شایسته در تبیین این بحث ابراز کرده است. در این مقاله، افزون بر تصحیح رساله حکیم تنکابنی همراه با تعلیقات تکمیلی ایشان، تحلیلی از این رساله به دست داده شد. نوآوری نگارش حکیم تنکابنی را می‌توان چنین برشمرد که وی فضل تقدّم بر اندیشمندان خود در حاشیه‌نگاری بر طبیعت‌شناسی الشفاء بوده است و کوشیده است با استمداد از آموزه‌های فلسفی ابن سینا به نگرشهای مفسران تجرید الاعتقاد در باره «حرکت در مقولات» واکنش نشان دهد و آراء ایشان را ارزیابی کند. ویژگی نگرش حکیم تنکابنی در این است که وی حرکت در مقولات را بر پایه «پیوستگی حرکت» تبیین کرده است و از این رو، پیامدهای قول به «گسستگی حرکت» را یک به یک ارزیابی کرده است. یکی دیگر از نکات مد نظر حکیم تنکابنی اختلاف شدت و ضعف در حرکت است که سبب اختلاف انواع حرکت و آثار آن می‌شود زیرا متحرک واحد بر حسب مبدأ و منتهی حرکت می‌کند و دیگر اموری که در وحدت حرکت از اعتبار برخوردار است در این امور دارای اختلاف است: اجزاء فرضی آن در اجزاء زمان (از حیث شدت و ضعف)، آثار آن (مانند اختلاف حاصل از اجزاء حرکت قسری و طبیعی)، آثار این دو نوع از حرکت در اجزاء مسافت از آن جهت که حرکت، واحد بالشخص شمرده شود. به باور حکیم تنکابنی تمام این اختلافات در هر فرد از مقوله‌ای که حرکت در آن رخ می‌دهد، صادق است در حالیکه دیگران، خاستگاه این

اختلاف را حرکت و آثار آن شمرده‌اند. نکته جالب توجه دیگر این است که حکیم تنکابنی با آنکه حاشیه‌نگاری خود را بر در باره حرکت در مقولات نشر داده است اما مباحثی چون سرشت حرکت، وحدت حرکت، چیستی جسم، پیوند میان حرکت با زمان، جسم و مسافت، حرکت به گونه توسطی و به گونه قطعی را در پیوند با بحث حرکت در مقولات بررسی کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاسگزاری خود را از استاد محترم پرفسور دیوید کنستان (Prof David J. Konstan) بابت نکات پیشنهادی سودمندشان ابراز کنم. همچنین از دو داور محترم و ناشناس مجله، که نکات سودمندی را خاطر نشان کردند، سپاسگزارم.
 ۲. با چنین رهیافتی چه بسا بتوان گفت دیگر امور وابسته به حرکت نظیر مکان، زمان و خلاء نیز از همین دشواری در تبیین برخوردار باشند.
 ۳. در پژوهشی تازه پیدایش تبیین شده است که مفهوم حرکت در یونان باستان نقشی بنیادین در پیدایش دانشهای منطق، فلسفه و ریاضیات ایفا کرده است و آراء اندیشمندان یونانی نظیر زنون، دموکریتوس، افلاطون و ارسطو در این پیدایش بررسی شده است:
The Concept of Motion in Ancient Greek: Thought Foundations in Logic, Method, and Mathematics, Barbara M. Sattler, Cambridge University Press, 2020, 1-5.
 ۴. "حیات، احوال، تحصیلات و آثار فاضل سراب"، علی کرباسی‌زاده اصفهانی، ص ۳۴۷ در مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، به کوشش اصغر منتظرالقائم، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲
 ۵. در همین نوشتار تصحیح این رساله انتشار یافته است.
 ۶. ضیاء القلوب، محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، تصحیح و تعلیق سید صادق حسینی اشکوری، نشر مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۹-۳۷
 ۷. حکیم تنکابنی و آقا جمال خوانساری هر دو در زمره شاگردان آقا حسین خوانساری و ملا محمد باقر سبزواری (هر دو دارای حاشیه بر الهیات الشفاء) حاشیه آقا جمال خوانساری، حاشیه‌ای بر فن سماع طبیعی الشفاء (مقاله اول و دوم و یک فصل از مقاله سوم) است. بنگرید به:
- الحاشیه علی الشفاء (الطبیعیات، المقالة الأولى والثانية)، آقا جمال خوانساری، تصحیح رضا استادی، انتشارات کنگره محقق خوانساری، قم، ۱۳۷۸.

۸. تفسیر فارابی بر طبیعیات ارسطو در دسترس ما نیست اما مروان راشد قطعه‌های برجای مانده از آن را در آثار اندیشمندان بعدی نظیر ابن باجه، ابن رشد و ابن میمون شناسایی کرده است:
Al-Farabi's Lost Treatise On Changing Beings and the Possibility of a Demonstration of the Eternity of the World, Marwan Rashed, *Arabic Sciences and Philosophy*, Volume 18 Issue 1, 2008, 19 – 58.

۹. در میان آثار ابن سینا تفسیری مستقل بر طبیعیات ارسطو معرفی نشده است با این اوصاف در آثار جامع ابن سینا نظیر الشفاء، النجاة، عیون الحکمة، الهدایة، الإشارات والتنبيهات، و دانشنامه علائی بخشی مستقل به بررسی آموزه‌های طبیعت‌شناسی ارسطو و شارحان یونانی اختصاص داده شده است. از آنچه در باب الحاصل والمحصول نیز گزارش شده است حکایت از آن دارد که بخشی از آن تفسیر طبیعیات ارسطو بوده است:

Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works. Second, Revised and Enlarged Edition, Including an Inventory of Avicenna's Authentic Works, Dimitri Gutas, Brill, 2014, 426.

۱۰. تفسیرهای سه‌گانه (موجز، متوسط و مفصل) ابن رشد بر آثار ارسطو شامل کتاب طبیعیات نیز بوده است:

Glasner, Ruth, 2009, *Averroes' "Physics": A Turning Point in Medieval Natural Philosophy*, Oxford: Oxford University Press, 10-17.

۱۱. برای نمونه می‌توان به تبیین حرکت قسری در کتاب الإشارات والتنبيهات اشاره کرد که نگرش اندیشمندان بعدی را به خود جلب کرده است:

"تبیین حرکت شناسی ابن سینا در سنت تفسیری حلّ مشکلات الإشارات طوسی: بررسی نگارش های قطب الدین شیرازی، سید برهان الدین بخاری، بدرالدین تستری و میر سید شریف جرجانی (مقدمه، تصحیح متن و تعلیقات)"، محمد جواد اسماعیلی، *جاویدان خرد*، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۲۱-۵۲.

۱۲. الشفاء، السماع الطبيعي، المقالة الثانية، الفصل الثاني، ۹۳-۹۷

13. *Early Greek Philosophy*, Volume III: Early Ionian Thinkers, Part 2, André Laks & Glenn W Most (eds.), Harvard University Press, 2016, 168-169, D65 a-b.

14. *Early Greek Philosophy*, Volume V: Western Greek Thinkers, Part 2, André Laks & Glenn W Most (eds.), Harvard University Press, 2016, 46-47, D8.31-38.

15. Aristotle, *Physics*, Translated with introduction and notes by C. D. C. Reeve. Indianapolis, Hackett Publishing Co., 2018, Book III, 38-54.

تبيين حکيم تنکابنی از رأی ابن سینا در باب حرکت در مقولات ... ۱۹

۱۶. برای آگاهی از سنت تفسیری کتاب تجريد الاعتقاد بنگريد به: کتابشناسی تجريد الاعتقاد، علی صدرایی خویی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۲.

۱۷. تجريد الاعتقاد، نصیرالدین طوسی، تصحيح محمد جواد حسینی جلالی، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۷، ۱۰۷

۱۸. شرح تجريد العقائد، الجزء الأول، مقدمه و تصحيح: محمد حسین زارعی رضایی، قم، انتشارات راند، ۱۳۹۳، ۱۳۳-۱۳۵.

۱۹. الشفاء، السماع الطبیعی، المقالة الثانية، الفصل الثالث، فی بیان المقولات التي تقع الحركة فيها وحدها لا غيرها، ۹۹

۲۰. حاشیه شرح تجريد، جلال الدین دوانی، نسخه خطی شماره ۱۷۵۲، برگ ۲۷ ب - ۲۸ الف، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲۱. ابو العباس لوکری که قصدش از تألیف کتاب بیان الحق بضمن الصدق، انتشار اثری آموزشی بوده است، از گنجاندن همه یا بخشی از این فصل از کتاب طبیعات الشفاء در تألیف خود پرهیز کرده است. چه بسا گوناگونی و پیچیدگی نگرشها در باب حرکت در مقولات سبب شده است تا وی از درج آن بحث برای فراگیران فلسفه خودداری کند. فخرالدین رازی در المباحث المشرقیة فی علم الإلهیات والطبیعات، ج ۱، ۵۶۳-۵۶۸ به تحلیل این بحث پرداخته است.

۲۲. الشفاء، السماع الطبیعی، المقالة الثانية، الفصل الثالث، فی نسبة الحركة إلى المقولات، ۹۴-۹۵.

کتابنامه

ابن سینا، الشفاء، السماع الطبیعی، تصحيح سعید زاید، قاهره، ۱۹۸۳م.

اسماعیلی، محمد جواد، "تبيين حرکت شناسی ابن سینا در سنت تفسیری حل مشکلات الإشارات طوسی بررسی نگارش های قطب الدین شیرازی، سید برهان الدین بخاری، بدرالدین تستری و میر سید شریف جرجانی (مقدمه، تصحيح متن و تعلیقات)"، جاویدان خرد، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۲۱-۵۲.

پدرام، نرگس و مزده مهدوی، فهرست کتابخانه اصغر مهدوی؛ با یادداشت ایرج افشار، انتشارات ثریا، تهران، ۱۳۸۶.

تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح، ضیاء القلوب، تصحيح و تعلیق سید صادق حسینی اشکوری، نشر مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲.

حسینی، احمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه علمیه آیه الله العظمی خوئی مشهد مقدس - ایران، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۷۷.

۲۰ حکمت معاصر، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- خوانساری، آقا جمال، *الحاشیه علی الشفاء (الطبیعیات، المقالة الأولى والثانية)*، تصحیح رضا استادی، انتشارات کنگره محقق خوانساری، قم، ۱۳۷۸.
- درایتی، مصطفی، *فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)*، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- دوانی جلال‌الدین حاشیه شرح تجرید، نسخه خطی شماره ۱۷۵۲، برگ ۲۷ ب - ۲۸ الف، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- رازی، فخرالدین، *در المباحث المشرقیة فی علم الإلهیات والطبیعیات*، دو جلد، منشورات ذوی القربی، ۱۴۲۹ق.
- صدرایی خویی، علی، *کتابشناسی تجرید الاعتقاد*، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۲.
- طوسی، نصیرالدین، *تجرید الاعتقاد*، تصحیح محمد جواد حسینی جلالی، مکتب الإعلام اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
- عرب زاده، ابوالفضل، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی، دارالقرآن الکریم*، قم، ۱۳۷۸.
- قوشچی، علاءالدین، *شرح تجرید العقائد، الجزء الأول، مقدمه و تصحیح محمد حسین زارعی رضایی*، قم، انتشارات راند، ۱۳۹۳، ۱۳۳-۱۳۵.
- لوکری، ابو العباس، *بیان الحق بضمن الصادق، الطبیعیات*، تصحیح محمد جواد اسماعیلی، زیر چاپ.
- مرعشی نجفی، سید محمود، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)*، جلد ۳۳، قم، ۱۳۸۳.
- منتظرالقائم، علی اصغر، *مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی*، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱)

http://opac.nlai.ir/opac=prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=5262020&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

Aristotle, *Physics*, Translated with introduction and notes by C. D. C. Reeve. Indianapolis, Hackett Publishing Co., 2018, Book III, 38-54.

Glasner, Ruth, 2009, *Averroes' "Physics". A Turning Point in Medieval Natural Philosophy*, Oxford: Oxford University Press, 10-17.

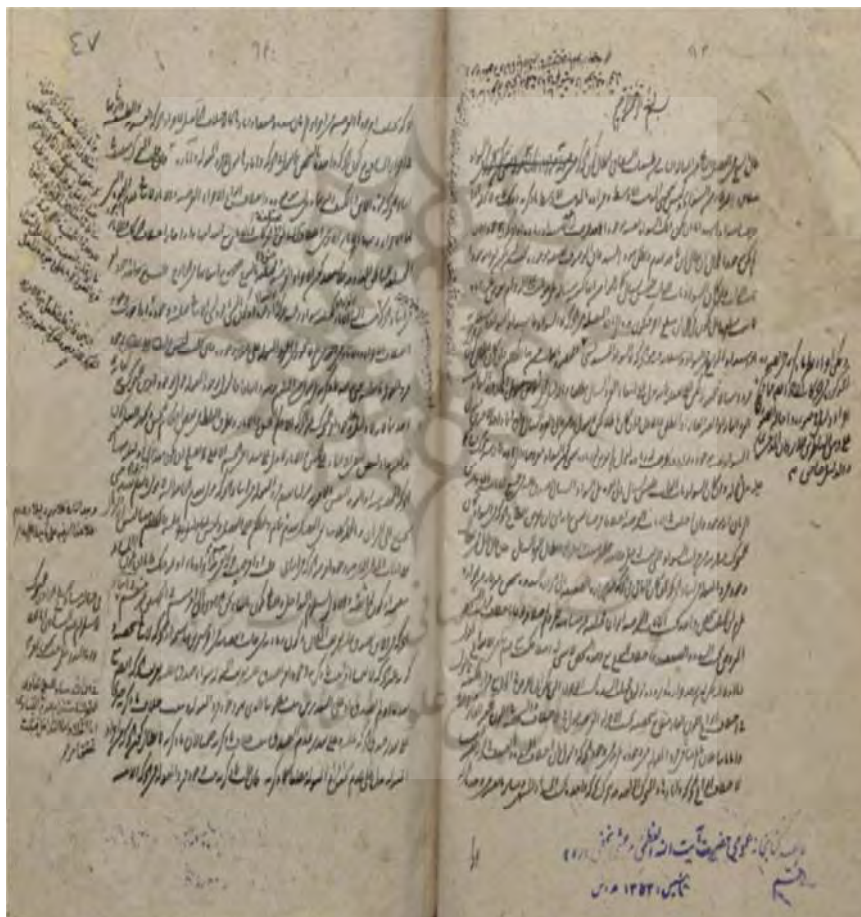
Gutas, Dimitri, *Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works. Second, Revised and Enlarged Edition, Including an Inventory of Avicenna's Authentic Works*, Brill, 2014.

Laks, André & Glenn W. Most (eds.), *Early Greek Philosophy*, Volume III: Early Ionian Thinkers, Part 2, Harvard University Press, 2016.

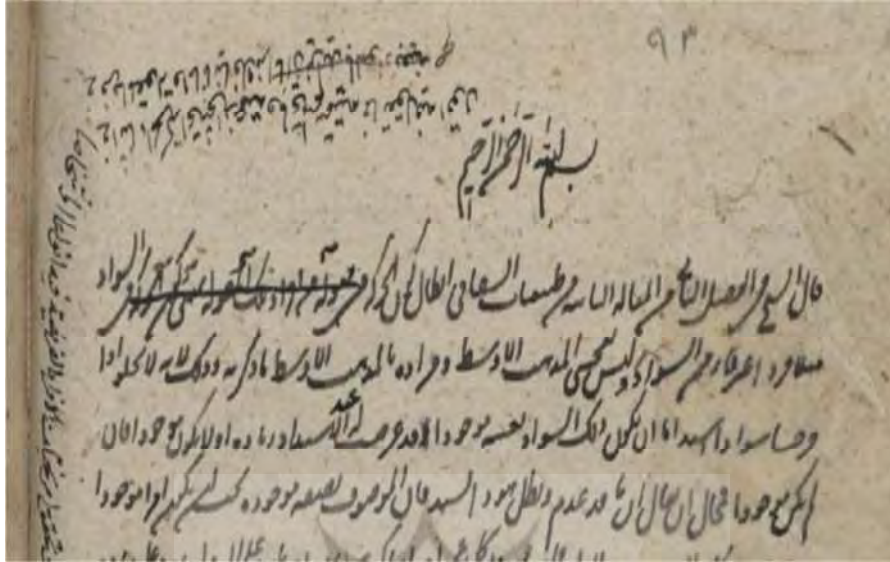
تبیین حکیم تنکابنی از رأی ابن سینا در باب حرکت در مقولات ... ۲۱

- Laks, André & Glenn W. Most (eds.), *Early Greek Philosophy*, Volume V: Western Greek Thinkers, Part 2, Harvard University Press, 2016.
- Rashed, Marwan, *Al-Farabi's Lost Treatise On Changing Beings and the Possibility of a Demonstration of the Eternity of the World*, *Arabic Sciences and Philosophy*, Volume 18 Issue 1, 2008 , 19 – 58.
- Sattler, Barbara M., *The Concept of Motion In Ancient Greek: Thought Foundations In Logic, Method, And Mathematics*, Cambridge University Press, 2020.

پیوست‌ها



پیوست الف) برگ نخست رساله، نسخه ۱۲۳۷۲/۶، کتابخانه مرعشی نجفی، قم.



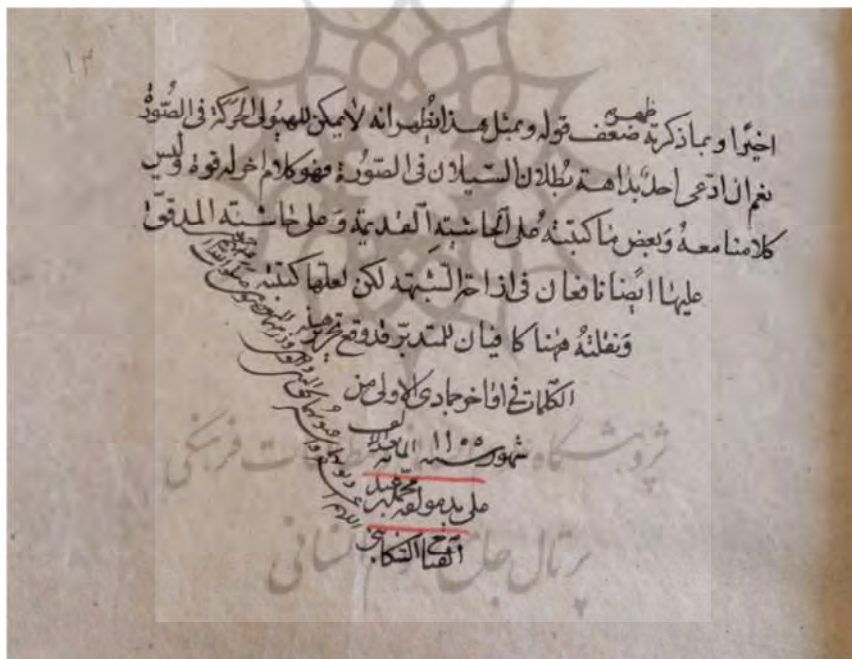
پیوست ب) آغاز رساله، نسخه ۱۲۳۷۲/۶، کتابخانه مرعشی نجفی، قم.



پیوست ج) انجام رساله، نسخه ۱۲۳۷۲/۶، کتابخانه مرعشی نجفی، قم.



پیوست ه) آغاز رساله، نسخه ۵۹۲/۵، کتابخانه مهدوی، تهران.



پیوست و) انجام رساله، نسخه ۵۹۲/۵، کتابخانه مهدوی، تهران.